

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

شراب

تو نگفتی ، بیا شراب خوریم
فصل پیری به یاد شتاب خوریم
وسکی و ، واین و ، ودکه خالص
یک یکی کرده انتخاب خوریم
فرق ، از دست و پای نشناسیم
عرق خالص گلاب خوریم
ساقی گلرخ ، طلا موئی
گر دهد آتش مذاب خوریم
من نگفتم که تو ، به من گفتی
ساغری از شراب طاب خوریم
لیک ، یار و رفیق دیگری ما
بخدا گفت ، با جناب خوریم
گفت ! چند بار وعده کرد و شکست
تازه بندیم و با شتاب خوریم
در شب جشن (سال نو) بر من
گفت ! باهم رحیق ناب خوریم

گفتم هرگز ندارم عادت می
ورنه بالا تر از حساب خوریم
گفت! سال نو است ، توبه شکن
با نوای نی و رباب خوریم
رقص ، رقصان میان مهرویان
پای کوبان ، به پیچ و تاب خوریم
گر بخواهی کسی خبر نشود
گوشه ای رفته در غیاب خوریم
عاقبت خواند شعر (وعده خلاف)
که ترا گفته ، بی حجاب خوریم
گفت ! بر درد دل کنم نشرش
کس نفهمد ، در احتجاب خوریم
گفتمتش ! ای برادر گل من
از می و باد ، اجتناب خوریم
ور بخواهی شراب روحانی
هردم از ساغر وهاب خوریم
ناگهان ، خامه ام به جولان شد
گفت ! بیجاست گر زکاب خوریم
نامه از خون دل شدی رنگین
حال از طعنه اش خضاب خوریم
تا دفاع کردم از جناب شما
تیغ بیداد ، بر رقاب خوریم
آنچه را گفت ، ساده بنوشتم
جام بیدار را به خواب خوریم
من ز (**ودکّه**) و (**بار**) بیخبرم
که به دامن ، ز هر قطاب خوریم
تو که دیوار خشکی و بی نم
بهر چه نم کشیده آب خوریم
از چه رو پر بیندی بر سر خویش

گوئی شبهای ماهتاب خوریم
لب به می، تر نکرده ام هرگز
غوطه در بحرِ انجذاب خوریم
تهمتی را نبسته ام به کسی
قسمِ خامِ ارتکاب خوریم
شاعری، مایهٔ فساد شده
طعنۀ دار، از طناب خوریم
« نعمتا » حرفِ حق مزین دیگر
کز پدر، تیغِ ارتیاب خوریم